

و حدیث و بیان طریقت بجز از المذکرین که حدیث
مستثنی بر صد آیت و کتاب تکلمه الطایف و اخبار
الدخا بیه و ادب التصوف و عشرات و عشرین و قصه
یوسف و طبعی المذکرین و کتاب یادگار و دیوان علی
و دیوان فارسی و فوات او در شب و شبانه هفتم ربع
الاول سده ربع و از بین و ستانه بود و طریقت
بهفتاد و سه سال در وقت چهل و نه در ستانی مغزو
ستانه از ولایت عربین بشهر نجار رسدند و اول
و ابتاع را در نجار که استند نجاب شهر چند رفت
قطب لاد و تاج مصطفی رحمه الله و گفت با دستان
مملکت او است بی اجازت او در مملکت او نشوید
چون نزدیک شایخ رسید شایخ فرمودند و بر آمدی ما
در انتظار دیشتی سه روز و صحبت شایخ بود نماز و دیگر
مصطفی ایشان را طلب کردند و گفتند ما را انتظار در
مترن بوسط آن بود که این مملکت حالی بود در صاحب

دل چون تو آمدی مملکت بنویسید و در نگاه شایخ
گفتند و جان بشیم کردند **مطم** از رخنه زهر بخوردند
حسبتم: رخت سفید منزل و یک بشیم نیر لاشه و وجود بودم
یکمندی که کرد و در بد و در رسم **ممنقول** است علی
نجار را رحم الله حضرت استاد الایام مولانا شمس الایام
گردی را در حدیث گفتند شما مجلس مولانا جمال الدین
ستاجی حاضر میشوید تا بنکر بد که او ربانی و جفائی است
بانی مولانا شمس الایام شب جمعه بسجده جامع چهارشنبه
و در پس ستونی نشینند چون مفریان قرآن خوانند
تمام کردند مولانا جمال الدین بر منبر برخواستند و روی
سوی آن ستون کردند و این بیت گفتند **نظم**
اکی بسره کو و کلو در نامی نرسیدی که ز تو کم شود آن رشتی
نامی بر ما برسی از رسوائی **بسر** شده کرانی و کرانی
مولانا شمس الایام بفره زدند و پیش من آمدند سبائی
بچند بودند بعد از آن سر مبارک بر آوردند و گفتند